



نبرد موصل که در تاریخ ۱۷ اکتبر به فرمان حیدر العبادی، نخست‌وزیر کشور عراق و همراهی کردها آغاز شد، با هدف آزادسازی شهر موصل از دست جهادگرایان دولت اسلامی عراق و شام صورت گرفت. با گذشت حدوداً دو ماه از این نبرد، این نیروی متکثر به بخشی از اهداف اولیه‌ی خود دست یافته است، اما همچنان راه سختی پیش رو دارد؛ دشواری ادامه‌ی مسیر از یک طرف به مقاومت جدی جهادگرایان داعش برمی‌گردد و از طرف دیگر، به عدم‌آمدگی کافی نیروهای ارتش عراق برای جنگ شهری و خانه به خانه که در صورت ایستادگی جهادپون اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. از جانب دیگر، عملیات نظامی موصل به نوعی نزاع منطقه‌ای و حتی جهانی تبدیل شده که در مواردی فراتر از مرزهای عراق کنترل می‌شود. به نظر می‌رسد انگیزه‌ی بسیاری از بازیگران درگیر در این نبرد، نه لزوماً پایان دادن به حضور داعش، بلکه اعمال کنترل و نفوذ در عراق و توازن قوا در منطقه است. در این میان حتی برخی گروه‌ها در حال تسویه‌حساب‌های سیاسی یا تشدید جنگ‌های فرقه‌ای هستند. همه‌ی اینها بر بی‌ثباتی و فساد روزافزون در عراق و منطقه می‌فزاید که می‌تواند موج جدیدی از خشونت‌ها و قربانیان را به دنبال داشته باشد. مردم عراق هرگز تجاوز جنایتکارانه‌ی ایالات متحده آمریکا به کشورشان و به خصوص عواقب فاجعه‌بار آن و هرج و مرجی که به دنبال آن کشور را در بر گرفته است، فراموش نخواهند کرد. آنها هنوز سنگینی بار این تجاوز فریبکارانه را بر دوش خود احساس می‌کنند: ۶۰۰ هزار عراقی در جنگ عراق کشته شدند، علاوه‌براین، بر اساس آمار موجود، حدود یک میلیون و ۷۵ هزار عراقی به‌دنبال جنگ و ناامنی مجبور به مهاجرت به کشورهای همسایه شده‌اند یا به اردوگاه‌های آوارگان سازمان ملل متحد پناه برده‌اند. و همه‌ی اینها بدون در نظر گرفتن هزاران مجروح و ویرانی‌های انبوهی است که این جنگ بر جای گذاشته است. اما مهمترین پیامد سیاسی تهاجم نظامی این بود که عراق تا امروز نتوانسته است امنیت و ثباتش را بازیابد. در چنین شرایطی نه تنها دسترسی به منابع نفتی آسانتر شده بلکه دولت مرکزی نیز

توانسته اهداف فرقه‌گرایانه، سیاسی و سرکوبگرانه خود را با موانع کمتری پیش ببرد. اما برای مردم همچنان این سؤال باقی می‌ماند که اینبار نیروهای خارجی و دولت مرکزی تحت حمایت آنها، چه خوابی برای این مردم و کشور عراق در لوی نام "نبرد برای آزادسازی مردم و مناطق تحت حکومت دولت اسلامی" دیده‌اند؟

نبرد اخیر در موصل به دلایل گوناگون از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ در وهله‌ی نخست باید این را در نظر گرفت که موصل، بعد از بغداد، بزرگترین شهر عراق و محور مبادله‌ی تجاری بین سوریه، بغداد و ترکیه است. تا پیش از رسیدن داعش، جمعیت شهر حدود سه میلیون نفر بود و هنوز حدود ۱.۵ میلیون نفر در این شهر سکونت دارند. از لحاظ تاریخی، موصل یکی از گهواره‌های تمدن عراق و پایتخت فرهنگی عرب‌های سنی به شمار می‌رود. موصل، علاوه بر این، قبل از سقوط صدام حسین، پایگاه‌ی اصلی حزب بعث بود. در نتیجه بخشی از چالش کنونی موصل این است که به عرب‌های سنی این امکان داده شود که شهر تاریخی خود را بازیابند. از سوی دیگر موصل، مرکز ثقل و پایتخت داعش در عراق و همچنین بزرگترین شهر تصرف شده توسط جهادی‌ها به شمار می‌رود. در مسجد بزرگ موصل بود که در جولای ۲۰۱۴، ابوبکر بغدادی، رهبر داعش، برای اولین بار در ملاعام حاضر شد و از تمام مسلمین جهان خواست که به او اقتدا کنند. شهر موصل همچنین به علت منابع غنی و موقعیت استراتژیکی که دارد همواره مورد توجه بوده است. طرف عراقی و حتی واشنگتن، سقوط این شهر را همچون تحقیری بزرگ تجربه کردند؛ بیست هزار سرباز عراقی در موصل، که توسط نیروهای امریکایی تجهیز و آموزش داده شده بودند، شهر و امکانات نظامی خود را به ۱۵۰۰ جهادی داعش واگذار کردند و گریختند. به همین دلیل، تهاجم برای بازپسگیری موصل از جهاتی، گریزناپذیر به نظر می‌رسید.

از آغاز این نبرد تاکنون، بازیگران و نیروهای سیاسی مختلف با محوریت دشمن مشترک، همان دولت اسلامی عراق و شام (داعش)، موقعیت خود را در عراق جایگذاری کرده‌اند؛ برای بیرون‌راندن ۳ تا ۵ هزار نیروی داعشی، ارتش عراق ۲۰ تا ۳۰ هزار نیروی نظامی خود را بسیج کرده است. حدود سه هزار نیروی ویژه ضد ترور نیز در میان آنها وجود دارد که قرار است به قلب شهر، خصوصاً از جبهه‌ی جنوبی آن، وارد شوند. در منطقه‌ی جنوب، همچنین شبه‌نظامیان شیعی نزدیک به دولت ایران (حشد الشعبی)، یکی از نیروهای اصلی نظامی در کشور بعد از شکست ارتش عراق در سال ۲۰۱۴، در کنار ارتش عراق حضور فعال دارند. دهها هزار نیروی پیشمرگ کرد نیز بر روی یک کمان از جنوب شرقی به شمال غربی، در منطقه‌ی درگیری استقرار یافته‌اند. همچنین در قسمت شمالی شهر، ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر از نیروهای سنی حول ائیل النجیفی، استاندار سابق نینوا (که موصل پایتخت آن بود) گرد آمده‌اند. این گروه از سوی ترکیه پشتیبانی می‌شود که همین امر بی‌اعتمادی بغداد به آنها را تشدید کرده است. همه‌ی این نیروهای زمینی، از پشتیبانی هوایی ائتلاف بین‌المللی علیه داعش، به رهبری آمریکا، شامل ۷ هزار نیروی ویژه و مشاور نظامی (شامل ۵ هزار امریکایی) برخوردارند که که از آگوست ۲۰۱۴ تاکنون، مواضع دولت اسلامی را در سوریه و عراق بمباران می‌کند. نیروهای ائتلاف در انجام حضور خود نقشی پارادوکسیکال ایفا کرده‌اند؛ در حالی که حملات آنها توانسته در بعضی مناطق، از جمله در کوبانی (کردستان سوریه)، به تضعیف داعش و پیروزی نیروهای منطقه‌ای منجر شود، همزمان عملکرد غیرمحتاطانه و نسنجیده‌ی این ائتلاف، از زمان آغاز حملات

تاکنون، به کشته‌شدن بیش از ۱۹۰۰ غیرنظامی در این دو کشور منجر شده است. دولت فرانسه نیز با پشتوانه‌ی ناو هواپیمابر شارل دوگل و جنگنده‌های رافال و همچنین ارسال توپخانه و نیروهای ویژه‌ی نظامی، ائتلاف موجود را یاری می‌دهد. می‌بایست توجه داشت که این تدارکات نظامی و سیاسی، در سطح عملی، تا چه حد در عقب‌راندن داعش، موثر و مفید عمل خواهد کرد.

همزمان نباید از نظر دور داشت که به‌رغم اینکه دولت اسلامی داعش ۶۰ درصد از خاک "مفید" خود را در دو سال اخیر از دست داده است اما در این مدت با دقت خود را برای چنین مواجهه‌ای آماده کرده است؛ این گروه نیروهای جان بر کف ایدئولوژیک بسیاری دارد که با توان بالا می‌جنگند، به تجهیزات نظامی پیشرفته‌ای دست دارند، تونل‌های بسیاری حفر کرده‌اند و از آغاز نبرد تاکنون، از روش‌هایی چون انباشتن بشکه‌ها از مواد آماده‌ی اشتعال، آتش‌زدن چاه‌های نفت، جاسازی بمب در ساختمان‌ها و معابر شهری، بمب‌گذاری‌های انتحاری، تکتیراندازها، و حتی هواپیماهای بدون سرنشین بهره‌جسته‌اند. همه‌ی اینها نشان می‌دهد که جنگ می‌تواند هر لحظه دشوارتر شود و زمانی بیشتر از انتظار به طول بینجامد. به‌درازکشیدن جنگ موجب می‌شود داعش امکان سازماندهی مجدد خود در هر مرحله را بازیابد. هرچند این احتمال نیز غیرممکن نیست که این گروه با تغییر استراتژی، در نهایت تصمیمی چون عقب‌نشینی به سوریه و تل‌عفر را اتخاذ کند. آنچه تاکنون روشن است، مقاومت دولت اسلامی است که تلفات انسانی بسیاری به همراه داشته است؛ داعش، در میدان نبرد همواره نیروهای غیرنظامی شهر را، به عنوان سپر انسانی به کار گرفته است. در مسیرهای مختلف خروجی شهر نیز مین و بمب‌های دست‌ساز زیادی جاسازی کرده تا ساکنین نتوانند از آنجا خارج شوند. به نقل از سازمان ملل متحد، ۹۲۶ غیرنظامی در ماه نوامبر در عراق کشته شده‌اند که بخشی از ۲۸۸۵ نفر آمار کل کشته شده گان عراقی در حملات، خشونت‌ها و درگیری‌های نظامی ماه گذشته به شمار می‌روند. ۳۳۲ نفر از این غیرنظامیان در استان نینوا (در شمال) که پایتخت آن موصل است، کشته شده‌اند. از زمان شروع حملات به موصل تاکنون، ۹۰۰۰۰ غیرنظامی از جنگ گریخته‌اند و پیش‌بینی می‌شود تا ماه‌های آینده بیش از یک میلیون و پانصد هزار نفر به شمار آوارگان موصلی پیش از نبرد، اضافه شود. در واقع، نبرد موصل، یک چالش سیاسی و اقتصادی بزرگ است که "بیشترین جابه‌جایی جمعیتی در سال ۲۰۱۶" را در پی داشته است. اما باید پرسید در کشوری که در حال حاضر حدود ۳.۳ میلیون آواره دارد، چه چشم‌اندازی برای خیل این ازراه‌رسیدگان وجود خواهد داشت؟ گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی حاکی از آن است که به‌رغم پیش‌بینی‌های قبل از نبرد، امکانات حداقلی هم برای این آوارگان در نظر گرفته نشده است. کمپ‌ها جوابگوی حجم جمعیت پناهندگان نیست و مواد غذایی و لباس گرم کافی برای آنها وجود ندارد. اینهمه به جز خشونت‌ها، سوءاستفاده‌ها، بدرفتاری‌های سربازان و تروماهای روانی این آوارگان جنگی است. در این شرایط برخی از ناظران سازمان ملل حتی اعلام کرده‌اند که "موصل به احتمال زیاد به بزرگترین فاجعه‌ی انسانی سال تبدیل خواهد شد".

موارد مذکور مشکلاتی است که در میانه‌ی نبرد، وجود دارد. اما چالش سیاسی اصلی تازه بعد از آزادسازی شهر آغاز خواهد شد؛ از یک طرف به نظر می‌رسد کسی تمایلی به بازگشت به وضع پیشین ندارد که بر اساس آن دولت مرکزی شیعی در

قبال مناطق سنی‌نشین با ترکیبی از فساد، استبداد، بی‌توجهی و سرکوب عمل می‌کرد و همین هم بود که سبب شد داعش به واسطه‌ی همراهی قبایل سنی در این مناطق حاکم شود و به راحتی دومین شهر عراق را در دست بگیرد. از سوی دیگر، با توجه به روند کند آماده‌سازی نبرد، آرایش و تنوع نیروها و همچنین پیچیدگی مذاکرات و هماهنگی بین بازیگران درگیر، که منافی متفاوت و بعضاً متضاد را دنبال می‌کنند، هیچ بعید نیست که در صورت بیرون‌راندن داعش از موصل، تنش سیاسی سرنوشت‌سازی در راه باشد. اینکه نیروهای حاضر بپذیرند از مناطق آزادشده خارج شوند و شهر را به دولت مرکزی عراق واگذارند، محل تردید است. در واقع بر اساس سهم‌خواهی‌ها، روشن خواهد شد که هر یک از آنها چه نقشی در تصمیمات مهم سیاسی عراق بازی خواهد کرد.

یکی از بحران‌های مهم دیگر، تنش بین دولت مرکزی با کردها خواهد بود. زیرا گروه اخیر از آغاز جنگ تاکنون، به طور قابل ملاحظه‌ای تقویت شده است. کردها در موارد متعدد همچنان با دولت مرکزی عراق اختلاف‌نظر دارند، خصوصاً حول مسئله‌ی نفت و قراردادهایی که کردستان عراق بدون اطلاع بغداد با شرکت‌های خارجی به امضا رسانده است. آنها همچنین ادعاهایی در مورد بخش‌هایی از قلمرو عراق دارند و از آغاز نبرد بسیاری از رسانه‌ها از آنان نقل کرده‌اند که "ما از مناطق آزادشده در موصل نیز عقب‌نشینی نخواهیم کرد". یکی از سران کردستان عراق رابطه‌ی اقلیم با دولت مرکزی را چنین خلاصه می‌کند: "ما برای مبارزه با داعش با هم توافق نظر داریم، اما اختلاف‌نظر ما در موارد سیاسی به قوت خود باقی است". در همین حال، در ماه‌های اخیر سیاست‌مداران کُرد بارها از ضرورت و امکان قریب‌الوقوع "همه‌پرسی برای استقلال اقلیم کردستان از عراق" نیز صحبت کرده‌اند که اغلب با واکنش منفی دولت مرکزی عراق همراه بوده است.

مسئله‌ی "امنیت" نیز اکنون از چالش‌های جدی عراق است اما بعد از بازپس‌گیری موصل، در صورت درگیری در شهر و فراتر از آن در کشور، می‌تواند به بحرانی جدی تبدیل شود. چندین احتمال وجود دارد: خطر کنترل دولت توسط شبه‌نظامیان درگیر در جنگ، وخیم‌شدن وضعیت انسانی خصوصاً در میان سنی‌های میانه‌رو در عراق که می‌توانند با یکی‌کردنشان با داعش یا القاعده آماج اقدامات تلافی‌جویانه قرار گیرند، جگ داخلی میان احزاب سیاسی، و تعرض به اقلیت‌های عراق (مسیحیان، صابئین، ایزدی‌ها، ترکمن‌ها، و...) که می‌تواند نقض حقوق آنها و حتی حذف فیزیکی‌شان را در پی داشته باشد.

فراتر از سطوح ملی، تأثیرات این نبرد در سطح بین‌المللی نیز در آینده‌ی نزدیک خود را نشان خواهد داد؛ دولت اسلامی عراق و شام، از زمان اعلام خلافت خود در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴، توانسته است بر بسیاری از سازمان‌های تروریستی در سراسر جهان (بوکوحرام در نیجریه، انصار بیت‌المقدس در مصر و...) اثرگذار باشد و اعتماد آنها را جلب کند. داعش حتی در جذب برخی از شهروندان مسلمان غربی نیز موفق عمل کرده است. در این شرایط شکست داعش در موصل، ممکن است بالقوه روحیه‌ی انتقام‌گیری را در جهادگرایان تقویت کرده، در کنار توزیع مجدد نیروهای رانده‌شده در سرتاسر جهان، زمینه‌ساز دور جدید ناامنی و کشتار در بخش‌های مختلف جهان شود. با توجه به شواهد موجود، دولت اسلامی داعش به احتمال زیاد در نبرد موصل شکست خواهد خورد. اما این به معنای نابودی دولت اسلامی عراق و شام و بالقوه‌گی‌هایش برای عملیات‌های

جدید تروریستی نیست. نباید از یاد برد که خود داعش، از نیروهای باقیمانده از القاعده که بخش عمده‌ی تشکیلات آن تقریباً در اواخر ۲۰۱۰ از بین رفته بود، شکل گرفت. بنابراین بدون نشانه‌گرفتن ریشه‌های اصلی و زمینه‌های سیاسی-اجتماعی-اقتصادی‌ای که پیشروی داعش را موجب شده‌اند و می‌شوند، توان بالقوه‌ی داعش و نیروهای مشابه آن برای اینکه از نو متولد شوند، همواره باقی می‌ماند.

در عین حال، بخش اعظم مردم عراق امروز بیشتر از هر زمانی هم به "نیروهای مداخله‌گر" و هم به "دولت مرکزی" خود بی‌اعتماد شده‌اند و همین سبب شده است که نیروهای جدید، هرچند ارتجاعی، بخت بیشتری برای جلب اعتماد آنها داشته باشند. درست به همین دلیل بود که هنگام ورود داعش به موصل در سال ۲۰۱۴، برخی از مردم با شادی به استقبال آنها رفتند. آنها اما امروز از این نیروهای سوم نیز سرخورده و ناامید شده‌اند و این، شرایط را از قبل هم مبهم‌تر می‌کند. به ویژه که عراق نیز مانند اغلب کشورهای منطقه، امروز از فقدان یک نیروی سوم مترقی که توانایی بسیج مردم برای بهبود وضعیت سیاسی و اجتماعی را داشته باشد، رنج می‌برد. با جنگ‌هایی که در این کشور راه افتاد، مردم به قربانیانی منفعل که ناظر تراژدی‌هایی هولناک‌اند، تقلیل یافته‌اند. توان بالقوه‌ی مردم برای از نو به دست گرفتن آنچه به سرنوشتشان گره خورده، در وهله‌ی اول با خروج نیروهای بیگانه‌ای امکانپذیر است که قیّم‌آبانه تمام ثروت و هستی مردم را غارت کرده‌اند و هرگونه توان جمعی آنها را عقیم ساخته‌اند. دخالت قدرت‌های خارجی در جنگ موصل و تمایل آنها به ماندن در خاک عراق حتی بعد از آزادسازی شهر نیز، در همان حال که نشان از ضعف دولت مرکزی و وابستگی سیاسی آن است، به معنای تداوم دخالت سیاسی، تثبیت نفوذ استراتژیک و تقویت سهم‌خواهی‌های اقتصادی در کشور نیز خواهد بود. در این شرایط، موازنه‌ی نیروهای سیاسی عمیقاً تنش‌آلود باقی خواهد ماند و پایه‌های اقتصادی کشور نیز بیش از پیش تضعیف و انواع فساد بیشتر از قبل فراگیر خواهد شد. در فضایی چنین مه‌آلود، از دل نبرد موصل نیز، چندان بویی از بهبود اوضاع کنونی عراق به مشام نمی‌رسد.